

The social impact of the Sadri moqfzeh in Isfahan and its connection with the Atabat 'Aliat (holy Shrines of Shiite Imams) based on documents

Abdolmahdi Rajaei¹

Abstract

Among the major endowments of Isfahan, Hajj Mohammad Hossein Sadr Isfahani and his son Abdullah Khan Amin al-Dawlah have left behind large moqfat for Isfahan since the beginning of the Qajar dynasty. These two people are well-known in various fields of politics, waqf, urban development, education, and charity. In this article, by referring to documents and press sources and analyzing the waqf-nameh, we will first review the extensive dimensions of their moqfzeh, which is known in Isfahan as the "Sadri or Prime Minister's moqfzeh," and then we will discuss the relationship of this moqfzeh with the shrines of the Atabat 'Aliat. Finally, we find that the aforementioned moqfzeh can perhaps be called the largest moqfzeh in Isfahan, which has had the greatest connection with the Atabat 'Aliat. To the extent that when the Atabat' share of this moqfzeh t decreased, the Atabat' students and the Sadri family would appeal to high-ranking Iranian officials and request the transfer of the income specified in the waqf-nameh. In this article, based on documents, we will also discuss the social dimensions of the aforementioned moqfzeh.

Keywords: Sadri moqfzeh, Sayyid al-Iraqin, Atabat.

1. PhD student in Revolutionary History, University of Hamedan, lecturer at Farhangian University.
M350323@gmail.com

الأثر الاجتماعي لأوقاف الصدر في أصفهان وعلاقتها بالعتبات المقدسة استناداً إلى الوثائق

عبدالمهدي رجائي^١

الخلاصة

من بين اصحاب الأوقاف الرئيسيين في أصفهان، الحاج محمد حسين صدر الأصفهاني وابنه عبد الله خان أمين الدولة حيث تركوا أوقافاً كبيرة لأصفهان منذ بداية عهد القاجار. هذان الشخصان هما اعلام في مجالاتٍ عديدة، منها السياسة والأوقاف والتنمية العمرانية والتعليم والعمل الخيري. في هذه المقالة، وبلاستناد إلى الوثائق والمصادر الصحفية وتحليل شهادة الوقف، سنستعرض أولاً أبعاد وقفهما الواسع، المعروف في أصفهان باسم «وقف الصدرى أو وقف رئيس الوزراء»، ثم سنناقش صلة هذا الوقف بالعتبات المقدسة. وأخيراً، نجد أن الوقف المذكور آنفاً يُمكن اعتباره أكبر وقف في أصفهان، وكان له أوثق صلة بالمزارات المقدسة. لدرجة أنه عندما انخفضت حصة المزارات من هذا الوقف، كان طلاب المزارات وعائلة الصدرى يتوجهون إلى كبار المسؤولين الإيرانيين ويطلبون تحويل الدخل المحدد في الوقف. في هذه المقالة، واستناداً إلى الوثائق، سنتناول أيضاً الأبعاد الاجتماعية للوقف المذكور آنفاً.

الكلمات المفتاحية: الحاج محمد حسين الصدر، عبد الله خان أمين الدولة، الوقف الصدرى، سيد العراقيين، أصفهان، العتبات



فصلنامه
علمی
مطالعات
بافتار و
امكان
متبركه

السنة الثانية | العدد ٨ | الشتاء ١٤٢٧

١. دكتوراه في التاريخ المحلى

M350323@gmail.com

تأثیر اجتماعی موقوفه صدری در اصفهان و ارتباط آن با عتبات عالیات با تکیه بر اسناد

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

عبدالمهدی رجایی^۱

چکیده

از میان واقفان عمده اصفهان حاج محمد حسین صدر اصفهانی و فرزندش عبدالله خان امین‌الدوله موقوفات بزرگی را از ابتدای سلطنت قاجار برای اصفهان به یادگار گذاشته‌اند. این دو نفر در عرصه‌های مختلف سیاست، وقف، شهرسازی، آموزش و امور خیریه نامدار هستند. ما در این مقاله با مراجعه به اسناد و منابع مطبوعاتی و تحلیل وقفنامه، در درجه اول ابعاد گسترده موقوفه آنها را که در اصفهان تحت عنوان «موقوفه صدری یا صدراعظم» شناخته می‌شوند، مورد بازنگری قرار داده و سپس به ارتباط این موقوفه با عتبات عالیات خواهیم پرداخت. در نهایت در می‌یابیم که شاید بتوان موقوفه مذکور را بزرگترین موقوفه اصفهان نامید که بیشترین ارتباط را با عتبات عالیات داشته است. به حدی که وقتی سهم عتبات از این موقوفه کاهش می‌یافت، طلاب عتبات و خاندان صدری به مقامات عالی‌رتبه ایران متوسل شده و خواهان ارسال درآمد قید شده در وقفنامه می‌شدند. در این مقاله با تکیه بر اسناد، به ابعاد اجتماعی موقوفه مذکور نیز خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: حاج محمدحسین صدر، عبدالله خان امین‌الدوله، موقوفه صدری، سیدالعراقین، اصفهان، عتبات

۱. دکتری تاریخ محلی

M350323@gmail.com



۱. مقدمه

از میان موقوفات اصفهان موقوفه صدری یا صدراعظم با تاریخی دویست ساله، داستان پر فراز و نشیب و جالبی دارد. این موقوفه هم جنبه‌های اجتماعی بسیار گسترده‌ای داشت و هم این که به دلیل ارتباط وثیق با عتبات عالیات، جنبه بین المللی یافت. از طرف دیگر دولت ایران هم نمی‌توانست سهم خود را از موقوفه نادیده بگیرد. در این پژوهش تلاش می‌شود با مراجعه به اسناد و مطبوعات، بخش‌هایی از تاریخ موقوفه را در این حیطه‌ها نشان داده و گفته شود متولیان موقوفه برای حفظ منافع موقوفه و ماندگاری آن، با این چالش‌ها چگونه مواجه می‌شدند.

۲. شناخت واقفین

واقفین موقوفه صدری، یک پدر و یک پسر هستند. نام پدر حاج محمد حسین‌خان ملقب به امین‌الدوله و معروف به صدر اصفهانی است که در ابتدای مبارزات آقا محمدخان برای کسب قدرت به کمک وی آمد و پس از روی کار آمدن قاجاریه مورد توجه آقا محمدخان و فتح‌علی شاه قاجار قرار گرفت. به طوری که ابتدا در سال ۱۲۲۱ق وزارت مالیه ایران به او سپرده شد و لقب امین‌الدوله‌گی گرفت و یک دهه بعد در سال ۱۲۳۴ق به جای میرزا محمد شفیع، صدراعظم ایران گردید. حاج محمدحسین‌خان پس از شش سال صدارت در سال ۱۲۳۹ق از اصفهان به تهران آمد و به مرض یرقان در این شهر درگذشت. او را برای دفن به نجف بردند و در مدرسه‌ای که در آنجا ساخته بود دفن کردند. از بناهای معروف وی که در عتبات و اصفهان پراکنده‌اند می‌توان به احداث یک مدرسه در نجف، بنای قلعه و حصار شهر نجف، بنای صحن حضرت ابوالفضل اشاره کرد. در اصفهان نیز او چندین مدرسه احداث کرد که مهمترین آن مدرسه صدر بازار می‌باشد. چهارباغ خواجو یا چهارباغ صدر نیز از یادگارهای اوست. (بامداد، ۱۳۴۷ ج ۳: ۳۸۱-۳۷۹)

۲-۱. عبدالله‌خان امین‌الدوله

عبدالله‌خان فرزند حاج محمدحسین‌خان در سال ۱۱۹۳ق متولد شد. وقتی پدرش به وزارت مالیه رسید، لقب امین‌الدوله‌ای و بیگلربیگی اصفهان را به عبدالله واگذار کرد و خود راهی تهران شد. در سال ۱۳۲۹ق و بعد از فوت پدر، عبدالله به جای وی و به دستور فتح علی شاه صدراعظم

ایران گردید. اما صدارت او زیاد طول نکشید و در سال ۱۲۴۰ق که فتح‌علی شاه وارد اصفهان شد، عبدالله‌خان از صدارت و حکومت اصفهان معزول گردید. او در سال ۱۲۴۲ق دوباره حاکم اصفهان شد و در سال ۱۲۴۳ق بعد از الهیار آصف‌الدوله، برای بار دیگر صدراعظم ایران گردید. سقوط سیاسی او وقتی اتفاق افتاد که در دعوی میان جانشینی فتح‌علی شاه، عبدالله‌خان امین‌الدوله جانب علی‌شاه ظل‌السلطان را گرفت و بدین خاطر وقتی محمدشاه به پادشاهی رسید، امین‌الدوله ناچار شد به اصفهان آمده و در خانه حجت الاسلام شفتی پناه ببرد. اما مخالفت‌های محمدشاه با وی ادامه داشت تا این که در سال ۱۲۵۱ق وقتی شاه او را مخیر کرده بود تا به تهران آمده و یا به عتبات برود، عبدالله‌خان به ناچار راهی عتبات گردید و سرانجام در سال ۱۲۶۳ق در سن هفتاد سالگی در نجف در گذشت. (بامداد، ۱۳۴۷ ج ۲: ۲۸۱-۲۷۸)

۲-۲. وقف‌نامه حاج محمدحسین صدر

از محمدحسین‌خان صدر یک وقف‌نامه به دست رسیده است که در تاریخ ۲۴ ذیحجه ۱۲۳۴ق یعنی چند ماه بعد از نشستن واقف بر تخت صدارت ایران تنظیم شده است. متن کامل این وقف‌نامه مفصل در دو کتاب به چاپ رسیده‌اند: «تاریخچه اوقاف اصفهان» (صص ۴۲۴-۴۰۸) و «اسناد موقوفات اصفهان» دفتر پنجم (صص ۴۷۴-۴۴۶).

در این وقف‌نامه چند قریه مربوط به بخش علیای جرقویه اصفهان به قید وقف در آمده‌اند. گویا آن قطعه از اصفهان آبادشده و مالک شده توسط واقف است. رقبات وقفی عبارتند از: بخشی از قریه امین آباد مشهور به حارث آباد/ بخشی از قریه اسفیداران (اسفنداران صحیح است)/ بخشی از قریه حسن آباد کته سفید/ بخشی از قریه کمال آباد/ بخشی از قریه حسن آباد/ بخشی از قریه دولت آباد/ بخشی از قریه طدوش و چند مزرعه دیگر که مجموعاً ۱۲ رقبه شده و همگی در «محال علیای جرقویه» قرار دارند. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۵: ۴۵۰-۴۴۹) تولیت موقوفه با «حاجی میر محمد اسماعیل، مدرس مدرسه چهارباغ اصفهان» و فرزندان او سپرده شد. واقف درآمد این موقوفه را بعد از کم کردن همه «حقوق دیوانی و وضع مایحتاج و تنقیه و تخفیف رعایا» معادل سالیانه سه هزار تومان محاسبه کرد که باید جاهایی خرج می‌شد، یعنی خود واقف عنوان کرد که هر ساله سه هزار تومان باید در کجاها هزینه شود. او این فهرست مفصل را برای هزینه کرد درآمد موقوفه عنوان نمود:

نیم عشر متولی (پولی که به متولی می‌رسد)	۱۵۰ تومان
متصدی جمع آوری مداخل	۷۵ تومان
روشنایی حرم سامرا	۴۰ تومان
متصدی روشنایی حرم سامرا	۴۰ تومان
روشنایی حرم کاظمین	۱۰۰ تومان



۱۵ تومان	مباشر روشنایی حرم کاظمین
۱۰۰ تومان	روشنایی حرم امام حسین (ع)
۷۵ تومان	روشنایی حرم حضرت عباس
۲۵ تومان	متصدی روشنایی حرم امام حسین و حضرت عباس
۱۰۰ تومان	روشنایی حرم حضرت علی (ع)
۷۲۰ تومان	توزیع آب در نجف
۳۶ تومان	مواجب سقایی نجف
۱۰۰ تومان	صرف افطار فضلا و طلاب و سادات و فقرای نجف در صورت عدم امکان در اصفهان خرج شود.
۵۰ تومان	صرف افطار فضلا و طلاب و سادات و فقرای کربلا و صورت عدم امکان در اصفهان خرج شود.
۴۰ تومان	صرف افطار فضلا و طلاب و سادات و فقرای شهر کاظمین و در صورت عدم امکان در اصفهان خرج شود.
۲۴۰ تومان	طبخ و توزیع غذا در حرم امام علی که هر شب جمعه به فضلا و طلاب و سادات و فقرا و زوار بدهند. در صورت عدم امکان در اصفهان خرج شود.
۲۵ تومان	طبخ غذا در نجف یا اصفهان در روز عید غدیر
۲۵ تومان	طبخ و توزیع غذا در نجف یا اصفهان در روز تولد پیامبر (ص)
۳۰ تومان	طبخ و توزیع غذا در نجف یا اصفهان در روز تولد حضرت علی (ع)
۷۰ تومان	تلاوت قرآن در ماه رمضان در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین، مدرسه چهارباغ، مدرسه پاقلعه، مدرسه فتح آباد
۳۰۰ تومان	سهم فقرای ذوالارحام
۲۰۰ تومان	جهت پاپوش زوار غریب و کفن و دفن آنها و خرجی زوار فقیر
اگر اضافه بیاید	احداث و مرمت پلهای نجف
۲۴۰ تومان	صرف عزاداری برای بزرگان دینی در شهرهای نجف، کربلا، اصفهان در تکیه پای قلعه، مدرسه پای قلعه و مدرسه فتح آباد
۷۰ تومان	جهت متصدی خدمات در نجف
۱۲۵ تومان	استکتاب کتب فقهی و حدیثی
۲۸۹۱ تومان	جمع

واقف در پایان عنوان کرد که اگر در سالی درآمد رقبات کمتر از سه هزار تومان بود، این کسری بر همه مصارف توزیع شود و اگر هم بیش از سه هزار تومان شد، این اضافه بر همه جدول بالا توزیع گردد. بر همین اساس در دهه‌های بعدی صحبت از این شد که باید کل درآمد موقوفه به ۳۰۰ سهم تقسیم شده و بر اساس تقسیم بندی بالا عواید مذکور اختصاص پیدا نماید.

چنان که می‌بینیم بیشترین سهم این هزینه کرد مربوط به مبلغ ۷۲۰ تومان توزیع آب در نجف است که در توضیح بیشتر آن در متن وقف‌نامه آمده است «مبلغ ۷۲۰ تومان به جهت قیمت آب در ارض اقدس نجف اشرف منظور دارند که همه روزه یومی دو تومان آب خریده شود و به قدر یک تومان از آب را به خانه و مساکن فضلا و طلاب به زیور فقر آراسته و سادات عالی درجات فقیر برده، عاید ایشان نمایند و فضلا را بر سادات مقدم دارد و به قدر یک تومان دیگر از آب را در سقاخانه معینه که از مال سرکار در آن ارض اقدس، بعون تعالی، بنا می‌شود، ریخته که معطشان صرف نمایند» (سپنتا، ۱۳۴۶: ۴۱۳ و اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۵: ۴۵۴) برای اجرای این پروژه بزرگ یعنی رسانیدن آب به درب خانه‌های فقرا و فضلا و سادات هم باید افرادی به عنوان «سقا» استخدام می‌شدند که واقف مبلغ ۳۶ تومان برای مواجب آنها در نظر گرفته است. به نظر می‌آید با توجه به مبلغ کلانی که در قیاس با دیگر مخارج، برای این کار اختصاص داده شده است، پس از چند سال «آبرسانی» در شهر نجف متحول شده و به شدت تحت تأثیر این حرکت قرار گرفته باشد. یعنی شهر نجف وابستگی زیادی به آب موقوفه صدری پیدا کرده باشد. هدف دیگر موارد هزینه کرد درآمد موقوفه هم عتبات عالیات است. اگر به بندهند وقف‌نامه دقت شود، وقتی واقف به هزینه‌کرد آن در اصفهان رضایت داده است که امکان این کار در عتبات فراهم نباشد. یعنی به واسطه اختلافات میان ایران و عثمانی، امکان انتقال پول یا انجام مراسم جشن یا عزاداری در عتبات نباشد، در این صورت می‌شد این کار را در اصفهان انجام داد.

۲-۳. وقف‌نامه عبدالله خان امین‌الدوله

بعد از محمدحسین خان صدری، فرزند ایشان عبدالله خان امین‌الدوله هم بخشی از اموال خود را وقف کرد. در این وقف‌نامه نیز جایگاه عتبات عالیات بسیار پر رنگ است. از طرف دیگر در اصفهان و در اسناد موجود غالباً این دو وقف‌نامه پدر و پسر را یکی دانسته و هر دو را به وقف‌نامه صدری یا صدراعظم می‌شناسند. این وقف‌نامه هم داستان جالبی دارد بدین شکل که در سال ۱۲۹۱ ق یعنی پنجاه سال بعد از فوت محمدحسین خان صدر و سی سال بعد از فوت عبدالله خان، صورت یک وقف‌نامه نوشته شده است که این بار گویا ثلث اموال عبدالله خان امین‌الدوله (بجز املاک قم و گیلان) مد نظر بوده است. این املاک شامل قریه مالواجرد در جرقویه علیا، مزرعه همت آباد، قنات رامشه، یک باب باغ مشهور به باغ خانجان در اصفهان که این املاک را وصی و پسر عبدالله خان یعنی میرزا علی محمدخان نظام‌الدوله وقف کرده است. تمرکز مصارف این موقوفه بیشتر بر دو مدرسه‌ای است که یکی در نجف و دیگری در اصفهان در حال ساخت بودند. مقرر گردید هر ساله پنجاه تومان صرف سفره و تعزیه‌خوانی در مدرسه صدریه نجف، یکصد تومان تعمیر بازارچه و مدرسه صدریه اصفهان، یک صد تومان برای روشنایی و قاری مقبره این خاندان در نجف و بقیه نیز صرف خیرات و

تعمیر مدرستین نمایند. متولیان این موقوفه نیز دو برادر به نام‌های شیخ بهاء‌الدین و حاجی شیخ علی معرفی شده‌اند. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۱۲-۱۰۰)

۲-۴. وقف‌نامه دوم عبدالله‌خان امین‌الدوله

چهارسال بعد از نگارش وقف‌نامه بالا و در ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۹۵ صورت وقف‌نامه دیگری از املاک عبدالله‌خان امین‌الدوله نوشته شد. چنان که در وقف‌نامه ذکر شده است، ابهاماتی که در وقف‌نامه قبلی وجود داشت، خصوصاً درباره مدارس صدری، موجب مشکلاتی گردیده بود که ضرورت ایجاد کرد که وقف‌نامه دوم نوشته شود. تا آنجا که پس از «وفات آن مرحوم به واسطه اختلافات در میانه اولاد امجاد مرحوم نظام‌الدوله، اغتشاش کلی در امور مدرستین و بازارچه و سایر املاک ثلثی» ایجاد کرده بود، به حدی که بخشی از این املاک در «معرض بیع و شری» قرار گرفته بودند. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۴: ص ۱۱۵) لذا تصمیم بر این گرفته شد که کلیه املاک ثلثی موجود، به صورت یک موقوفه با یک وقف‌نامه مشخص درآید. این کار توسط حاج سید علی بحرالعلوم صورت پذیرفت. در این وقف‌نامه رقبات و مصارف آنها شامل موارد ذیل می‌گردد:

یک باب مدرسه در نجف اشرف/ تمامی دکاکین متصل به مدرسه نجف/ یک سردابه در زیرزمین مدرسه که وقف شد برای محل دفن خاندان صدری / یک حجره در راه مدرسه / شش دانگ قریه مالوآجر در جرقویه علیای اصفهان / شش دانگ مزرعه درب باغ همت آباد در جرقویه / قنات رامشه (درآمد این چند رقبه و «سایر خیرات راجعه به عتبات عالیات، موافق دستورالعمل و قراردادی که در ورقه‌علی‌حده ثبت شده و در دست متولی است» که باید در عتبات هزینه شوند.)

ادامه رقبات موقوفه دوم: مدرسه صدر بازار اصفهان / تمامی دکان‌های جنب مدرسه صدر اصفهان / یک آسیاب آبی در مارنان اصفهان / بیشه بیدستان جنب آسیاب آبی / یک باغ معروف به باغ خانجان‌خان در محله مستهلک اصفهان (درآمد این چند رقبه هم باید در اصفهان صرف شود «بر مصارف مدرسه اصفهان که مداخل آنها بعد از وضع مخارج لازمه خود املاک، صرف شود در مصارف مقرر مدرسه اصفهان به نظر متولی شرعی آنها»)

تولیت این موقوفه هم به فرزند نظام‌الدوله، حاجی امین آقا، سپرده شد. متولی از نوادگان صدر اعظم بود. نظارت مدرسه اصفهان هم بر عهده حاجی ابوالقاسم کلباسی داده شد. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۲۴-۱۱۲)

از نظر حجم موقوفه باید گفته شود بزرگترین رقبه این موقوفه مدرسه صدر بازار اصفهان و دکاکین وابسته به آن است که در وقف‌نامه حاج محمدحسین صدر اعظم هیچ اسمی از آن برده نشده بود، (چنان که خواهیم دید این دکاکین به سی باب و بیشتر می‌رسند) به همین خاطر متولیان لازم دیدند این مدرسه و دکاکین متصل را نیز به صورت رسمی جزو موقوفه به ثبت برسانند. همین نکته به ما می‌گوید این موقوفات پدر و پسر به نوعی در هم آمیختگی پیدا کرده و مدرسه‌ای را که پدر بنیان آن را گذاشته بود، اکنون در موقوفه پسر ثبت و ضبط شد.



۳. وضعیت موقوفه در دوران قاجار

ارتباط وثیق و هزینه کرد گسترده‌ای که موقوفه صدری در عتبات عالیات داشت، با وجود این که موقوفات زیادی در سراسر جهان تشیع عموماً بخشی از هزینه کرد وقف خود را به عتبات ارسال می‌نمایند،^۱ با اینحال ذینفعان این موقوفه در عتبات وابستگی زیادی به درآمد آن یافته و وقتی ارسال درآمد موقوفه به عتبات کم می‌شد، صدای شکایت خود را بلند کرده حتی به گوش پادشاه کشور می‌رسانیدند. یک بار در سال ۱۲۹۱ق وقتی به ناصرالدین شاه شکایت بردند که درآمد موقوفه مذکور نقصان یافته است، ناصرالدین شاه به دلایل سیاسی یا مذهبی به شکایت آنان توجه زیادی نشان داد و فرمان شدیدالحنی برای فرزندش مسعود میرزا ظل السلطان نوشت. شاید یک دلیل توجه شاه حضور مرجعیت پرنفوذ شیعه در عتبات بود که چند سال بعد در سال ۱۳۰۹ق و در جریان جنبش تنباکو قدرت خود را به شاه نشان داد. ظل السلطان در این زمان حکمرانی اصفهان را داشت. شاه از ظل السلطان خواست به حساب چندین ساله متولی موقوفه یعنی شیخ مهدی و پدرش، رسیدگی کرده و و چنانچه پولی در این میان خورده شده است، مانع شده و به طور کامل سهم عتبات عالیات را ارسال نماید. شاه البته این بار یک واسطه نیز برای ارسال پول معرفی کرد. از این پس درآمد موقوفه ابتدا به دست وزارت خارجه ایران رسیده و از طریق وزارت خارجه به عتبات خواهد رفت. معرفی و جعل این واسطه چه ضرورتی داشته است؟ آیا این واسطه می‌توانست تضمین کند که سهم عتبات به درستی و کامل پرداخت گردد و یا این که خود این واسطه در نظام اداری ناصری به عاملی برای کم شدن این درآمد تبدیل می‌گردید؟ آیا علما خواهند پذیرفت دولت در این میانه نقش بازی کند؟ آیا ورود دولت تالی فاسدی نخواهد داشت؟ پاسخ این سوالات را به درستی نمی‌دانیم. به هر حال در تاریخ ۳۰ ربیع الثانی ۱۲۹۱ طی فرمانی از ناصرالدین شاه به مسعود میرزا ظل السلطان می‌خوانیم

« به قراری که حضرات علمای اعلام عتبات عالیات عرش درجات، کثرالله امثالهم، به حضور مهرظهور اقدس اظهار داشته اند، وجوهات موقوفه مرحوم صدر اصفهانی به موجب وقف‌نامه‌چای که هر ساله بر وفق قرار وقف به مصارف مقرر در عتبات عالیات بایست برسد، به قاعده نمی‌رسد. و در ایصال اکثر مصارف مقرر کسر و نقصان و تعویق و تعطیلی به هم رسیده است. علی هذا امر و مقرر می‌شود که آن فرزند نامدار قدغن نماید به حساب چندین سال گذشته مباشر موقوفات مزبوره که گویا جناب میرزا مهدی و پدرش بوده است، به دقت تمام رسیدگی و مشخص نمایند که علت کسر و نقصان وجوهات موقوفه چیست. قرار رفع آن و اصلاح حالت موقوفات مزبوره و ملزومات عمل به قرار وقف را به طور شایسته معین و مجری دارند و هر چه از محصول سنواتی آنها نزد متولی و سایر باقی مانده و به مصارف وقف ارسال نشده، حکماً اخذ و با صورت حساب چند ساله ارسال وزارت جلیله امور خارجه نمایند و همچنین از بابت محصول هذله‌السنه ایت ایل و سنوات بعد نیز هر چه سهم مصارف مقرر در عتبات عالیات است، بی‌کم و کسر هر ساله به وزارت جلیله امور خارجه بفرستند که با وسیله مخصوص انفاذ عتبات شده و کسر و نقصان و تعویق و تفریطی در مصارف مقرر به هم

۱. در کتابی که سید رضا باقریان مؤلف کرده و «پیوندهای معنوی اصفهان و کربلا» نام دارد، با مراجعه به مجموعه ۸۰۰ وقف‌نامه موجود در کتاب عظیم ۱۲ جلدی «اسناد موقوفات اصفهان» بخش‌هایی را که در این وقف‌نامه‌ها به نوعی با عتبات و کربلا و تعزیه‌داری برای امام حسین (ع) ارتباط داشته است برگزیده و نشان داده است. (باقریان مؤلف، ۱۳۹۳)



نرسد. « (ساکما، ۶۶۳۴ / ۹۹۸) می‌توان تصور کرد این فرمان شاه موجب شد تا مدتها در حسابرسی موقوفه و ارسال سهمیه عتبات دقت بیشتری به خرج داده شود.

۴. آغاز دخالت رسمی دولت

فراموش نباید کرد در دو دهه آخر حکمرانی قاجار، اوضاع کل کشور و به تبع آن اوضاع اصفهان به شدت نامساعد گردید. وقوع جنگ جهانی اول و پیامدهای آن از جمله هرج و مرج و قحطی سال ۱۳۳۶ ق دیگر مجالی برای امر ساماندهی موقوفه و جمع آوری درآمد آن و ارسال به عتبات عالیات باقی نمی‌گذاشت. شاید هم متولیان موقوفه ترجیح می‌دادند آن قسمت‌هایی را که واقف اجازه داده بود در عتبات یا اصفهان خرج شود، در خود شهر اصفهان خرج کنند. به هر حال سه سال بعد از پایان قحطی مذکور نامه‌ای از وزارت معارف به اداره معارف اصفهان رسید که باز هم گله داشت که چرا سهم عتبات از موقوفه صدری نمی‌رسد. گویا منشأ این نامه شکایت‌هایی بود که از سوی سلسله صدری و ذینفعان در عتبات به اداره معارف می‌رسید. فراموش نکنیم بخشی از خاندان صدری در عتبات سکونت داشته و بر روی پولی که باید به آنها می‌رسید حساب باز کرده بودند. از جمله مبلغ سیصد تومان که برای «فقراي ذوالارحام» در وقف‌نامه در نظر گرفته شده بود. بر این اساس رئیس اداره معارف و اوقاف اصفهان که بخشی از امضای او یعنی «سلطان» قابل خواندن است، و نشان می‌دهد از نظامیانی است که همراه با رضاخان سردار سپه کودتا کرده و به منصبی رسیده است، در تاریخ ۱ سنبله (شهریور) ۱۳۰۰ مصادف با ۱۹ ذیحجه ۱۳۳۹ به عبدالحسین سیدالعراقین^۱ نامه‌ای نوشت که محتوای آن شدت و تندى رضاخانی را به یاد می‌آورد. او به سیدالعراقین نوشت:

«راجع به موقوفات مرحوم صدر اصفهانی خاطر محترم عالی را مستحضر می‌دارد از قراری که سلسله مرحوم واقف و موقوف علیهم شکایت نموده اند، سهم موقوف علیهم و پولی که باید به نجف اشرف فرستاده شود، نرسیده و مکرر در این باب از مقام منبع وزارت متبوعه تأکید شده که این اداره به وسیله مأمور، عواید رقبات موقوفه مزبوره را کلاً جمع‌آوری نموده و به استحضار خود حضرت مستطاب عالی سهمیه موقوف علیهم و نجف اشرف را از عواید مزبوره برساند. کما این که کراراً امضا و دستورات وزارتی را در این باب حضور محترم حضرت عالی ابلاغ نموده و از طرف حضرت عالی اقدامی که رفع شکایت موقوف علیهم را بنمایند نشده، لذا محض حفظ مراتب حضرت مستطاب عالی باز به خودتان نوشته می‌شود که به هر قسمی که ممکن است، تا سه روز دیگر این مطلب را تصفیه فرموده و صورت آن را به این اداره ارسال فرمایید و اولاً دیگر ممکن نیست در این باب از طرف این اداره تقاضایی از شخص حضرت مستطاب عالی بشود و اداره ناچار است مطابق دستورات وزارتی کلیه عواید رقبات موقوفه را به وسیله مقتضی جمع‌آوری نموده و با استحضار خودتان به مصرف مقرر وقف برساند و دیگر به هیچ وجه تصور نمی‌شود مجالی برای گله باقی بوده باشد.» (ساکما،

۱. عبدالحسین سیدالعراقین در سال ۱۲۹۶ ق در اصفهان متولد شد. او از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۷ ق در نجف اشرف و زیر نظر آخوند خراسانی تحصیل کرد. پس از بازگشت به اصفهان تولیت و تدریس در مدرسه چهارباغ را بر عهده گرفت. زبان آوری و قدرت پیگیری او باعث شد مدرسه چهارباغ بسیاری از رقبات موقوفه خود را دوباره به دست آورد. او همچنین تولیت مدرسه صدر باقلعه را نیز به دست گرفت. او سرانجام در ۱۰ شوال ۱۳۵۰ / ۲۷ بهمن ۱۳۱۰ درگذشت و در تخت فولاد اصفهان در تکیه‌ای که به نام خود اوست مدفون گردید. (دانشنامه تخت فولاد، ج ۲، ذیل مدخل سیدالعراقین) بر اساس این مقاله و اسناد پیوست می‌توان اضافه کرد که سیدالعراقین تولیت موقوفات صدری را نیز بر عهده داشته است. پس از او پسرش مصطفی مدرسی برجای وی نشست

۲۵۵۳۶/۲۹۶) در مقیاس آن روز لحن نامه بسیار تند است. کمتر کسی می‌توانست در آن روز با امثال سیدالعراقین که متولی موقوفات بزرگ اصفهان بود (از جمله موقوفه مدرسه چهارباغ) این گونه تهدید آمیز سخن بگوید.

از طرف دیگر وزارت معارف و اوقاف هم به صورت مکرر «صورت دخل و خرج» موقوفه را همراه با تأدیه «حق النظاره دولتی» از متولی درخواست می‌کرد. در رمضان ۱۳۳۹ / اردیبهشت ۱۳۰۰ اداره معارف اصفهان به حکمران اصفهان نوشت «راجع به موقوفات مرحوم صدر و موقوفات مدرسه چهارباغ که آقای سیدالعراقین مداخله می‌نمایند، خاطر محترم حضرت اشرف عالی را مستحضر می‌دارد این اداره مطابق وظایف قانونی خود، از آقای معظم‌الیه مطالبه صورت دخل و خرج و حق النظاره دولتی را کراً نموده و ایشان به مسامحه و تعلل گذرانده اند.» اداره معارف از حکمران اصفهان می‌خواست متولی را وادار به انجام خواسته کند. (ساکما، ۶۳۸۰ / ۹۹۸)

سه سال بعد در تاریخ ۴ سرطان [تیر] ۱۳۰۳ حسین امید^۱، رئیس اداره معارف و اوقاف اصفهان نامه مشابهی برای سیدالعراقین فرستاد. این نامه بار دیگر ابعاد بین‌المللی این موقوفه را نشان می‌دهد، بدین شرح «در رایورتنی که قونسولگری بغداد به مقام وزارت جلیله امور خارجه تقدیم نموده، معلوم می‌شود قسمتی از عواید موقوفه مرحوم صدراعظم اصفهانی که تخصیص به مصارف عتبات دارد، به مصارف مقرر مدتی است نرسیده و نظر به این که قانوناً این اداره موظف می‌باشد اهتمام نماید که عواید اوقاف به مصارف مقرر مصرف گردد، لذا لازم است این اداره را از شرح قضیه مستحضر نموده...» (ساکما، ۶۳۸۰ / ۹۹۸)

از مکاتبات بالا معلوم می‌شود دخالت یا نظارت دولتی از همان آغازین سال‌های روی کار آمدن رضاشاه در امور اوقاف آغاز شده است. از این پس متولی موقوفات یک نهاد قدرتمند به نام دولت را در فرادست خود باید می‌پذیرفتند.

۵. موقوفه صدری و عتبات عالیات

در سال ۱۳۰۸ش به دلایلی که بر نگارنده معلوم نیست، تیمورتاش، وزیر دربار پهلوی، تلاش کرد یک پیمایش سراسری در کشور انجام دهد که درباب موقوفاتی که درآمد آنها به عتبات می‌روند کدام هستند و بالفعل چقدر پول در این مسیر هزینه می‌شود. او در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۰۸ به وزارت معارف و اوقاف نوشت «مقرر فرمایید صورتی از املاکی که در ایران وقف به مصارف عتبات عالیاتست، با عواید حاصله از موقوفات مزبوره تنظیم و به وزارت دربار پهلوی ارسال دارند» (ساکما، ۲۱۲۷۱ / ۲۵۰) وزارت معارف هم از همه ادارات معارف سراسر کشور خواست این فهرست را تهیه و سریعاً ارسال دارند. مجموعه نامه‌هایی از سراسر ایران در یک پرونده بزرگ جمع شد که نشان می‌دهد در آن زمان از چه موقوفاتی در کشور و به چه میزان پول برای عتبات ارسال می‌گردد. این پرونده تحت شماره (۲۱۲۷۱ / ۲۵۰) در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود. اداره معارف و اوقاف اصفهان نیز به ناچار به این نامه پاسخ داد. در نامه مذکور نکات جالب تری

۱. حسین امید از اوایل ۱۳۰۲ تا اوایل ۱۳۰۴ رئیس اداره معارف و اوقاف اصفهان بود.



هم دیده می‌شود. در تاریخ ۱۸/۹/۱۳۰۸ تقی دانشور رئیس «اداره معارف و اوقاف ناحیه اصفهان و یزد» به وزارت متبوع خود نوشت «در اصفهان موقوفاتی که راجع به مصرف عتبات است زیاد است، ولی غالباً در تصرف غاصبین است که به ملکیت عمل می‌کنند. و باید احیا شود، و آنچه فعلاً بدین مصرف می‌رسد مطابق صورتی است که لفاً تقدیم می‌گردد» (ساکما، ۲۱۲۷۱ / ۲۵۰) از این جملات معلوم می‌شود اداره معارف اصفهان از وضعیت تولیت و مدیریت اوقاف رضایت نداشته است. همراه با این نامه جدولی ضمیمه است که دارای ۹ ردیف می‌باشد که شامل نه رقبه است که درآمد آن به عتبات می‌رفت. در صدر آن فهرست «موقوفه مرحوم صدراعظم اصفهانی که ۱۳ رقبه است» دیده می‌شود. ستون‌های روبرو به معرفی متصدی می‌پردازد که در اینجا «آقای سیدالعراقین» است و در ستون بعد عایدات سالیانه موقوفه آمده که مبلغ ۲۹۵۹۰ ریال ذکر است و از این مبلغ ۱۲۱۰۰ ریال آن به عتبات فرستاده می‌شد. در ردیف بعدی یعنی موقوفه دیگر «املاک ثلثی مرحوم امین‌الدوله که ۳ رقبه است» و «آقا شیخ محمدحسین امین‌الممالک» متصدی آن است دیده می‌شود. در این ردیف مبلغ ۳۴۵۰۰ عایدات سالیانه موقوفه آمده که مبلغ ۶۳۶۲ ریال آن به عتبات ارسال می‌شد. برای دریافت رقبات دیگر به اصل سند رجوع شود. (ساکما، ۲۱۲۷۱ / ۲۵۰) این نکته از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد در اوایل دوران پهلوی، با آنکه بسیاری از شهرهای ایران به دلایل سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی ارتباط مالی خود را با عتبات قطع کرده بودند، اما اصفهان و موقوفه صدری همچنان سهمیه عتبات را پرداخت می‌نمود.

۶. شکایت طلاب نجف

با وجود پرداخت‌هایی که از سوی موقوفه به عتبات می‌رفت، (در بالا به پرداختی سال ۱۳۰۸ اشاره شد) طلاب نجف شکایات و مطالبات خود را دنبال می‌کردند. جالب است که وزارت اوقاف هم جانب آنها را می‌گرفت. در سال ۱۳۰۹ «دایره تحقیق» وزارت معارف و اوقاف با شکایت طلاب مذکور وارد عمل شد. از سیدالعراقین توضیح خواست و در نهایت هم به نفع طلاب نجف نظر داد: در گزارش این دایره آمده است «با قطع نظر از شکایات متواتره آنچه از مفاد مراسله مومی‌الیه [یعنی سیدالعراقین] مستفاد می‌شود، حقی برای طلاب در نجف اشرف با تصریح واقف قابل نیست و منشا اختلاف آن که در وقفنامه مثلاً برای صرف اطعام در تکیه نجف اشرف اسم برده شده و حال آن که فعلاً در نجف بنای تکیه ای منسوب به واقف وجود خارجی ندارد و بنای منتسب به واقف منحصر به مدرسه صدر نجف است که تاکنون باقی و معمول است ... علی‌ای حال متصدی نمی‌تواند با تخصیص در وقفنامه، منکر مصارف مقرر برای طلاب و فضلی نجف اشرف بشود، چنانچه به تعذر بعضی مصارف مدعی شود، از قبیل عدم احتیاج به آب یا نبودن بنای تکیه و یا استفاده از روشنی به واسطه الکتریک یا این که عواید موقوفات متعذرالمصرف باید در اقرب مصارف واقف صرف گردد. «دایره تحقیق این بهانه‌ها را قبول نکرده و عنوان کرد باید اداره معارف اصفهان «عایدات خالص فعلی موقوفه مزبوره را در نظر گرفته و به سیصد سهم متساوی تقسیم و سپس نسبت به هر مصرف

۱. تقی دانشور از تاریخ تیر ۱۳۰۸ تا شهریور ۱۳۱۲ به سمت ریاست اداره معارف و اوقاف اصفهان و یزد برقرار بود. در زمان او تحولات مهمی در این اداره به وقوع پیوست.

از متصدی اسناد مثبت به خواهند و راپورت جامع آن را به مرکز ارسال دارند» (ساکما، ۶۳۸۰ / ۹۹۸) این که سیدالعراقین آیا این توصیه‌ها و یا دستورات را انجام داد یا خیر درست نمی‌دانیم. اما چند نکته در نامه بالا جالب نظر است: ۱. متولی به این عذر که دیگر شهر نجف نیاز به آن گونه آبرسانی توسط سقا و سقاخانه ندارد (شاید به واسطه لوله‌کشی آب) و نیز این حقیقت که با وجود «چراغ‌های برقی» دیگر نیازی به شمع‌ها و مشعل‌های پیشین نیست، سهم هزینه آبرسانی و روشنایی حرم را پرداخت نمی‌کرد یا کامل پرداخت نمی‌کرد. ۲. متولی با انگشت نهادن بر این اصل مهم در وقف که «عوااید موقوفات متعذرالمصرف باید در اقرب مصارف واقف صرف گردد.» تلاش می‌کرد مصارف وقف را تغییر و تبدیل کند. یعنی به جای عتبات در خود اصفهان مصرف نماید.

۷. مطالبات دولتی و موقوفه صدری

با گذشت زمان و گذر از عصر قاجار به عصر پهلوی، و هر چه ارسال سهم عتبات کمتر می‌شد، مطالبه‌گران داخلی قوی‌تر می‌شدند. مطالبه‌گران در درجه اول اداره معارف اصفهان و دیگر «ارحام صدر» بودند. در تاریخ ۳۰ / ۸ / ۱۳۱۰ یک نامه از اداره معارف اصفهان خطاب به سیدالعراقین در دست است که می‌گوید «مقتضی است مبلغ پانصد تومان از محل میراث مرحوم صدراعظم و چهارصد تومان از عایدات مدرسه چهارباغ و سیصد تومان از میراث مرحوم ملک التجار برای کمک خرج تحصیلی و بوجه اوقافی مقرر دارید هر چه زودتر تسلیم محاسبات نموده، قبض رسید رسمی دریافت دارید» (ساکما، ۶۳۸۰ / ۹۹۸)

سیدالعراقین هم تا جایی که می‌توانست این گونه درخواست‌ها را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت. مثلاً در تاریخ ۲ / ۹ / ۱۳۱۰ نامه‌ای از حکمران اصفهان به دست او رسید که از وی می‌خواست به همکاری مالی خود برای ساخت بیمارستان خوشید ادامه دهید: «از موقوفات مدرسه سلطانی و صدری که از سینه هزار و سیصد و شش تقبل فرموده اید سالی هشتصد تومان برای مریضخانه خورشید کارسازی فرمایید، فقط در سال مزبور مبلغ معهود را پرداخته و در سینه ۱۳۰۸ هم یکصد و شصت تومان به همه جهت تأدیه شده است. بقایای سنوات ماضیه تا این تاریخ سه هزار و چهل تومان است، که می‌بایست برای تکمیل ساختمان و تهیه اثاثیه مریضخانه تأدیه شود...[تا] بعد از چندین سال مریضخانه مزبوره افتتاح و شهر اصفهان دارای مریضخانه بشود.» (ساکما، ۲۹۶/۲۴۰۰۶)

یک نمونه دیگر در دهه بیست شمسی معلوم شد اداره معارف اصفهان ستونی از بوجه خود را به نام «کمک به تعلیمات عمومی» کاملاً با پولی که از موقوفه صدراعظم دریافت می‌کرد، تنظیم می‌نمود. از سوی دیگر کمک مستقیم به فقرا و اطعام آنها، همچنین دادن خاکه و ذغال به آنها (برای گرمایش) و برپایی مجلس روضه در اصفهان نیز از کارهایی بود که موقوفه صدر انجام می‌داد. در نامه‌ای بدون تاریخ (احتمالاً دهه بیست شمسی) از «مصطفی مدرس» فرزند سیدالعراقین، که بعد از پدر تولیت موقوفه را به دست گرفت، به «اداره کل اوقاف» این موارد دیده می‌شود «نظر به این که در وقف‌نامه مرحوم حاجی محمدحسین‌خان صدراعظم اصفهانی مصارفی را ذکر نموده از قبیل روضه و فقرا که در سنوات اخیر خاکه [ذغال] و کلیچه [کلوچه] و اطعام برای فقرا خریده می‌شده و به آنها داده می‌شده، مبلغی هم برای فقرای ارحام خود تعیین نموده، [با این حال] چند سال



است که اداره فرهنگ اصفهان مبلغی به عنوان کمک به تعلیمات [عمومی] در بودجه موقوفه صدر می‌نوشته، به عنوان این که وجه روضه و فقرا باید به اداره پرداخت شود تا در سال جاری در بودجه مبلغ دوازده هزار و هفتصد ریال به عنوان کمک به تعلیمات علاوه از مبلغ حق النظاره قانونی و مبلغ یک هزار ریال به عنوان خود اداره در بودجه مزبور منظور نموده و مطالبه می‌کند. «او از اداره اوقاف می‌خواست مبلغ «کمک به تعلیمات عمومی» دیگر از موقوفه مطالبه نشود. (ساکما، ۶۳۸۰ / ۹۹۸) تاکنون از مجموع اسناد بر می‌آید که این افراد و نهادها چشم به موقوفه صدراعظم داشتند: ۱. دولت ایران حق النظاره دولتی را می‌خواست. ۲. طلاب و ذینفعان عتبات سهم عتبات را طلب می‌کردند. ۳. خاندان صدری و کسانی که خود را ارحام وی می‌خواندند خواستار مستمری خویش بودند. ۴. اداره معارف اصفهان به عناوین مختلف از جمله «کمک به تعلیمات عمومی» مطالبات خود را داشت. ۵. به صورت مستقیم نیز موقوفه اقدام به برگزاری مراسم روضه و نیز کمک مستقیم جنسی به فقرای اصفهان می‌نمود. بر این فهرست باید «مسئولیت اجتماعی» در قبال جامعه میزبان را هم افزود.

۸. موقوفات صدری و مسئولیت اجتماعی

در دوران پهلوی اول نگاه به موقوفات و هزینه کرد آنها «کاربردی» و توأم با حس «مسئولیت اجتماعی» گردید. یعنی صحبت بر سر این می‌شد که با این «گردش مالی» هنگفتی که این موقوفات دارند، برای جامعه چه فوایدی بر آنها مترتب است و نیز چه گرهی از مشکلات جامعه را می‌گشایند. حتی ساخت بیمارستان و ورود به عرصه‌های جدید «خدمات اجتماعی» را هم از نهاد وقف انتظار داشتند.^۱ خصوصاً مطبوعات در این میان نقش زیادی ایفا می‌کردند. در اصفهان روزنامه «اخگر» که به مدیریت امیرقلی امینی انتشار می‌یافت، در سال ۱۳۰۹ نگاه کلی به موقوفات اصفهان افکنده و یک یک ظرفیت‌های اجتماعی آنان را بر شمرد. از جمله راجع به موقوفه صدری که گویا درآمد سالیانه آن به پانزده هزار تومان می‌رسید^۲ نوشت:

«مرحوم محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی، که الحق يك از رجال بلند همت و حاتم عصر خود بوده، رقبای را که امروز شاید بالغ بر پانزده هزار تومان عایدات دارد، وقف بر مصارف خیریه و مبرات نموده است. گرچه این موقوفه تا حدی به مصرف خود می‌رسد اما اعتراض ما بر آن است که چرا رعایت «الالزم فالالزم» در مورد مصرف این موقوفه مهم به عمل نمی‌آید. یعنی در موقعی که اصفهان دارای چندین هزار نفر فقیر و بیچاره است، چرا از محل همین موقوفه برای آن‌ها تحصیل کار و تهیه نان نمی‌کنند؟ مگر نه این قبیل موقوفات جزو حقوق عمومی محسوب می‌شود؟... اگر سابقاً و در آن ازمه‌ای که مرحوم صدر و امثال او وجود داشتند معنی خیرات و مبرات ساختمان پل و بنای سقاخانه بود، امروز بر حسب اقتضای زمان معنای خیرات ایجاد مؤسسات خیریه، آوردن کارخانجاتی که برای مردم ناتوان ایجاد کار می‌کند و به عبارت آخری کمک عقلایی و تهیه موجبات تولید ثروت برای طبقات ضعیفه و فقیر و بینوا می‌باشد.» (اخگر، ش ۸، ۴۵۱، آبان ۱۳۰۹)

روزنامه متولی موقوفه صدری را خطاب قرار داده می‌گوید «آقای سیدالعراقین که حقاً يك نفر

۱. رجائی، ۱۴۰۳: ۶۲.

۲. برای درک این رقم خوب است بیان کنیم بودجه سالیانه شهرداری اصفهان در سال ۱۳۰۹ مبلغ چهارده هزار تومان بود. (رجائی، ۱۳۸۷: ۸۹) یعنی موقوفه صدری بیش از بودجه شهرداری اصفهان درآمد داشت.

روحانی منورالفکری هستند، باید تشخیص نمایند که روزی ده شاهی و یا نیم من نان به فلان شخص بی‌بضاعت دادن نتیجه‌اش جز ازدیاد عده فقرا و بالاخره گداسازی چیز دیگری نخواهد بود... راه حل روزنامه هم آن بود که به قول معروف به جای ماهی باید به فقرا ماهیگیری یاد داد. باید به جای کمک‌های خرد، زمینه اشتغال و توانمندسازی آنها را فراهم کرد «به عقیده ما باید از محل عواید همین قبیل اوقاف تدریجاً سرمایه‌ای تهیه کرد و مثلاً یک کارخانه چرم‌سازی، که امروز برای ایران از همه نظر لازم‌تر است، و «میشن» قطعه‌ای سه تومان را «شورو» قطعه‌ای دوازده الی بیست تومان می‌کند وارد نماید. یا این که ده بیست کارخانه کوچک پارچه‌بافی دستی یا موتوری وارد ساخته و به همان گدای روزی ده شاهی بگیر بگوید «آقا جان! این وسیله کار. حالا دیگر بفرمایید واز روزی ده شاهی مفت گرفتن و عادت به مفت خواری نمودن صرف نظر فرموده، بروید در فلان کارخانه‌ای که من برای شما دایر کرده‌ام کار کنید و به جای روزی ده شاهی گرفتن یومیه، سه قران و ده شاهیه بگیرید.» (اخگر، ش ۴۵۱، ۸ آبان ۱۳۰۹) با وجود این انتقادات، متولیان موقوفه صدری تلاش می‌کردند طیف گسترده‌ای از هزینه کرد را برای موقوفه در نظر گرفته و از موضوعاتی مانند تعزیه داری صرف و دادن افطاری دوری گزینند.

۹. چالش‌های تولیت موقوفه از زبان متولی

عبدالحسین سیدالعراقین بر خلاف متولیان موقوفات دیگر، توانایی زیادی در کار خود داشت. مکاتبات و مراسلات رسمی و غیر رسمی که از او باقی مانده است، نشان می‌دهد او یک مدیر به تمام معنا بود. موقوفه صدری و نیز موقوفه مدرسه چهارباغ دارای چالش‌های زیادی بودند. آن‌ها تقریباً بزرگترین موقوفات اصفهان بودند که مطالبات و انتظارات زیادی هم از آنها می‌رفت. انتظاراتی که متولی از آنها به ستوه آمده بود. نتیجه آن شده بود که هر ساله چندین شکایت رسمی و غیر رسمی، از اصفهان تا نجف، علیه شخص متولی به ثبت می‌رسید. یک نمونه از چالش‌های موقوفه بند خاصی بود که حاج محمدحسین صدراعظم در وقف‌نامه خود قرارداده و سهمی را به ارحام و نزدیکان خود (با شرط استحقاق) از درآمد وقف داده بود. همین امر به تدریج مشکلات زیادی را برای متولی موقوفه ایجاد کرد. افراد زیادی خود را مستحق دریافت آن معرفی می‌کردند. این مستمری بگیران تا به عدد هزار نفر هم رسیدند.

سیدالعراقین در یک نامه خصوصی به تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۱۰ به مخاطبی که عنوان او مشخص نیست (شاید وزیر معارف وقت باشد) اذعان می‌کند «اوقافی که در تصرف دعاگو است، یکی اوقاف مرحوم صدر است. صورت تمام عواید آن در جوف است. این موقوفه فوق العاده موجب زحمت شده است. به جهاتی: یکی قسمت ارحام صدر است که تقریباً یک هزار نفر یا بیشتر خود را فقیر و رحم می‌دانند و به انواع و اقسام حمله مشغولند. یک دسته به شکایت به وزارت جلیله معارف، یک دسته به عدلیه، از همه اینها گذشته زنانه و مردانه در بنده منزل مزاحمند و فعلاً تقریباً سه برابر از آنچه محقند می‌برند... دیگر مصارف نجف اشرف و کربلای معلی است که فعلاً مشغولند و با

۱. این که چه ساز و کاری باید در نظر گرفت که درآمد موقوفات در یک مسیر «تولیدی» و کارساز برای رفع فقر از جامعه و حتی «توسعه» اقتصادی به کار برده شود، مبحثی است که جای مطالعه و کار کارشناسی دارد.



اطلاع کنسولگری داده می‌شود. و قبوض آن در اداره اوقاف جزء مدارک است و مصارف عمومی که نمی‌توان یک دینار آن را کم نمود و مصارف محلی و مالیات دیوانی و تنقیه قنات و غیره» (ساکما، ۵۳۲۸ / ۲۵۰)

چالش دیگر آن بود که اداره اوقاف اصفهان و نیز حکمران اصفهان هم از این دو موقوفه (صدری و مدرسه چهارباغ) سهم خود را می‌خواستند. در ادامه نامه سیدالعراقین به مخاطب خود می‌گوید «حالی‌ه اداره اوقاف بر حسب مراسله پانصد تومان از اوقاف صدری و چهارصد تومان از مدرسه مطالبه دارند. سواد مراسله درجوف است. حکومت جلیله اصفهان سالی هشتصد تومان واز بابت گذشته بر حسب مراسله رسمی که سواد آن جوف است، سه هزار تومان مطالبه دارند. داعی در تکلیف خود متحیرم. از یک طرف اداره اوقاف بر حسب مراسله رسمی می‌نویسند مصارف باید به نص وقف‌نامه شود. البته چنین است. ولی چگونه جمع بین مطالب بشود. اگر دو عشر به اولاد داده شود، و پانصد تومان هم کمک خرج داده شود، البته از سایر مصارف باید کسر شود. آن وقت اگر از مصارف نجف کم شود، دو هزار نفر از طلاب و علما به وزارت جلیله اوقاف شکایت دارند و کذاک از هر مصرفی کم شود، موقوف علیهم آن مصرف شکایت دارند... با این قروض چگونه می‌شود سه هزار تومان به مریضخانه تأدیه نمود؟ و البته هر طرفی هم به آن وزارتخانه راپورت‌های خلاف و شکایت خواهند نمود.» (ساکما، ۵۳۲۸ / ۲۵۰)

هجوم افراد مختلف برای دریافت کمک موردی یا مستمری از موقوفه صدر به حدی بود که در دهه بیست شمسی اداره فرهنگ اصفهان خود وارد عمل شد تا سر و سامانی به این قضیه بدهد، بدین شکل که این اداره مدیریت کار را به دست گرفته و خود طی فهرستی به متولی موقوفه اعلام می‌کرد که باید به این افراد کمک شود. در یک سند در نامه حسینعلی احسنی، رئیس اداره فرهنگ اصفهان در تاریخ ۲۴ / ۴ / ۱۳۲۱ خطاب به مهدی میر عمادی، نماینده متصدی موقوفات صدراعظم اصفهانی، می‌خوانیم «دو نسخه (۸ برگ) صورت مستحقین اولاد و ارحام مرحوم حاج محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی که از سال ۱۳۲۱ به بعد بایستی از محل درآمد موقوفه نامبرده حقوق دریافت دارند، و با نظر جناب آقای صدری (رکن الملک) و اینجانب تهیه شده به ضمیمه فرستاده می‌شود و مقتضی است موافقت خود را در روی نسخه‌ای که به گواهی این اداره رسیده مرقوم و به این اداره برگشت دهید» (ساکما، ۶۳۸۰ / ۹۹۸) در میان اسناد این پرونده چندین صفحه اسامی و مبلغ افرادی دیده می‌شود که به صورت مستمری از این موقوفه پول دریافت می‌کرده‌اند (یک نمونه سند ضمیمه مقاله) همچنین در میان حواله‌های پرداختی با آرم موقوفه، یک نمونه حواله یکصد ریال به حاج مجدالاسلام (مستاجر موقوفه) بابت گیوه مشهدی رمضان دیده می‌شود که مربوط به سال ۱۳۲۴ است. با این نگاه می‌توان گفت موقوفه صدری مانند یک «مؤسسه خیریه» بزرگ در شهر اصفهان خود را نشان می‌داد. مجموعه اسنادی که در ۱۸۲۳ برگ در سازمان اسناد ملی از «جمع و خرج هزینه‌های موقوفه صدر در اصفهان» باقی مانده است، به ما نشان می‌دهد مسایلی مانند کمک به امر ازدواج، آزادی زندانیان، کمک به مدارس و ... هم در فهرست هزینه‌کردهای موقوفه دیده می‌شوند. (ساکما، ۶۱۲۷ / ۹۹۸)

۱۰. اجاره موقوفات صدری در دوران پهلوی

با روی کار آمدن سلسله پهلوی و تشکیل وزارت معارف و اوقاف، تا حدودی اوقاف ساماندهی شده و نوعی نظارت دولتی بر آن‌ها حاکم گردید. متولیان مکلف شدند صورت وقفنامه‌ها را به اداره اوقاف برده و به ثبت برسانند. همچنین صورت جمع و خرج موقوفه را به اطلاع و تأیید آن اداره برسانند. درآمد موقوفات نیز در کانال تازه‌ای افتاد که «کمک به تعلیمات عمومی و تعمیر و ساختمان موسسات عمومی معارفی» سرلوحه آن بود. (سالنامه معارف اصفهان، ۱۳۱۳: ۶۰) موقوفات بزرگ مانند موقوفه صدری در تحت تصدی خاندان صدری باقی ماند اما نظارت اداره اوقاف بر آن برقرار بود. به طوری که برای اجاره دادن رقبات، باید «مزایده» برگزار می‌گردید و کرایه دادن رقبات بدون طی تشریفات اداری یعنی انجام مراسم مزایده ممکن نبود. برای آن که دریابیم رقبات صدری تحت تولیت چه کسانی و به چه قیمتی کرایه می‌رفتند، چند «آگهی مزایده» در روزنامه‌ها و اسناد آن دوران قابل توجه هستند. در سال ۱۳۱۷ این سه آگهی مزایده راجع به موقوفات صدری در روزنامه اخگر یافت شدند:

«آگهی مزایده: آقایان حاج شیخ عبدالله نظام‌الدوله زاده و مشیر صدری با تصویب اداره فرهنگ و اوقاف اصفهان شش دانگ یک باب طاحونه مائیه [آسیاب آبی] معروف به طاحونه عبدالله‌خان که از جمله رقبات موقوفه مرحوم امین‌الدوله و واقعه در ناحیه ۵ (قریه ماربانان) به انضمام یک درب باغ مشجر متصل به طاحونه مزبور را با رعایت شرایط زیر به اجاره برگزار می‌نماید... حداکثر مدت اجاره پنج سال... حداقل مال الاجاره سالیانه پنج هزار و دویست ریال است» (اخگر، ش ۱۳۸۷، ۳۰ آبان ۱۳۱۷)

«آگهی مزایده: با نظارت اداره فرهنگ و اوقاف اصفهان و با شرایط زیر شش دانگ یکباب کاروانسرا دارای پلاک شماره ۱۳۷ و شش دانگ دو باب دکان دارای پلاک ۱۳۶ و ۱۳۷ واقعات در بخش سه اصفهان که از جمله رقبات موقوفه مدرسه صدر است، به اجاره برگزار می‌شود... حداقل مال الاجاره ماهیانه سه رقبه نامبرده سیصد ریال است» (اخگر، ش ۱۳۸۷، ۳۰ آبان ۱۳۱۷)

«آگهی مزایده: با تصویب و نظارت اداره اوقاف اصفهان، شش دانگ هر یک از سی باب دکان و چهار باب بالاخانه و دو باب انبار و شش دانگ خاشاک ورز موقوفه مدرسه صدر واقعات در بازار بخش ۳ اصفهان را با رعایت شرایط زیر به اجاره برگزار می‌کند... حداقل مال الاجاره ماهیانه یک هزار و هفتاد ریال است... حداکثر مدت اجاره سه سال شمسی است» (اخگر، ش ۱۳۹۲، ۲۱ آذر ۱۳۱۷) بر اساس یک سند، دو سال بعد در سال ۱۳۱۹ طی یک آگهی اداره فرهنگ و اوقاف اصفهان مزایده دیگری برای اجاره سه ساله «موقوفات مرحوم صدر اعظم اصفهانی» برگزار کرد. طی این آگهی ۱۴ رقبه آماده اجاره دادن بودند. این رقبات شامل بخشی از قرای زیر می‌شدند: قریه حسن آباد علیا بخش ۲۲ جرقویه / قریه دستجرد / خارا / قریه تودش علیا / قریه تودش سفلی / قریه شیدان / قریه دولت آباد / قریه احمدآباد / قریه اسفنداران / قریه حارث آباد / قریه قولیجان / مزرعه درویش / کته سفید / قریه کمال آباد. این قرا همگی در بخش ۲۲ جرقویه قرار داشتند. اداره

۱. بر اساس مجموعه اسنادی که در آرشیو سازمان اسناد نگهداری می‌شود، در سال ۱۳۷۵ تعداد ۱۲۶ باب دکان در بازار اصفهان (عمدتاً در مجتمع تجاری صدر و بازار نجارها) وجود دارد که همگی جزو «موقوفه صدر و بازار شیخ بهاءالدین» هستند. در این فهرست چند صفحه ای اسامی مستأجران مغازه‌ها و نیز میزان اجاره بهای آنها درج شده است. (ساکما، ۴۱۰۰ / ۲۵۰)

فرهنگ و اوقاف اصفهان این رقبات را به سالیانه حداقل نود و پنج هزار ریال اجاره می‌داد. (ساکما، ۲۳۳۴ / ۲۹۱) در مقایسه این اسامی با وقفنامه ای که در بالا به آن اشاره شد، نشان می‌دهد بعد از حدود ۱۲۰ سال رقبات موقوفه نه تنها کم نشد، بلکه روستاهایی مانند شیدان و قولیجان هم به موقوفه اضافه شده اند.

نتیجه گیری

موقوفه صدری اصفهان شامل دو موقوفه بزرگ از پدر و پسری است که هر یک در آغاز حکمرانی قاجار صاحب مقامات بلندی در حوزه کشوری و محلی بودند. هر دو حاکمان اصفهان و نیز صدراعظم ایران شدند. حاج محمدحسین صدر اصفهانی با سیاست‌های شهرسازی خود اصفهان را بعد از خرابی دوران فترت احیا نمود و از خویش موقوفات بزرگی نیز به یادگار گذاشت. بنا بر نص صریح وقفنامه، بیشتر درآمد این موقوفات باید به عتبات می‌رفت. خصوصاً موضوع آبرسانی در شهر نجف بخش عمده ای از درآمد رقبات را به خود اختصاص می‌داد. شهرهای کربلا، سامرا و کاظمین نیز از آن بی‌نصیب نبودند. فرزند او عبدالله‌خان امین‌الدوله نیز راه پدر را ادامه داد و موقوفه بزرگی بر جای نهاد که در این یکی هم بخش عمده ای از درآمد باید به عتبات می‌رفت. عشق و علاقه این خاندان به عتبات موجب شد مقبره خانوادگی خود را در زیر زمین مدرسه ای قرار دهند که در گوشه مدرسه احداثی حاج محمدحسین در شهر نجف قرار دارد. ارسال درآمدهای موقوفات مذکور که اغلب در اصفهان قرار داشتند، با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. به اندازه‌ای که از دوران ناصرالدین شاه افراد ذینفع عتبات شکایت داشتند که سهم عتبات به درستی پرداخت نشده است. یا در اوایل قرن حاضر شمسی، اداره معارف و اوقاف اصفهان به متولی موقوفه در اصفهان اخطار کرد اگر سهم عتبات به درستی پرداخت نشود، وزارت معارف خود مدیریت مالی موقوفه را به دست خواهد گرفت. از آنجا که موقوفه صدری یکی از بزرگترین موقوفات اصفهان است، در دوران رضاشاه صحبت از مسئولیت اجتماعی وقف به میان آمد و از متولی موقوفه خواسته شد هزینه کرد درآمدهای موقوفه را به روزرسانی نماید. سخنی که فقط یک صدا یا درخواست مطبوعاتی بود و ما به ازای عملی به خود نیافت. یک دلیل آن که مخارج و درخواست‌ها (شخصی و دولتی) آن قدر زیاد بود که جایی برای «تأسیس کارخانه» باقی نمی‌گذاشت. از طرف دیگر آگهی‌های مزایده درباب موقوفه صدری به ما نشان می‌دهد در دوران پهلوی اول این موقوفه همچنان راه ترقی و تعالی را می‌پیموده است. خصوصاً رقباتی مانند دکاکین بازار اصفهان در این زمان آباد شده و درآمد خوبی را حاصل می‌کردند. هر چه درآمد موقوفه بیشتر می‌شد، بر صف مطالبه‌گران نیز اضافه می‌گردید؛ وزارت معارف در قالب حق‌النظاره و نیز کمک به تعلیمات عمومی سهم خود را طلب می‌کرد و ارحام صدر هم خواسته‌های خود را داشتند. با این فرایند باید گفته شود موقوفه صدری تأثیر زیادی بر حیات اجتماعی اصفهان بر جای نهاد.



فصل نامه
علمی
مطالعات
بِقاع و
امکان
متبرکه

کتابنامه

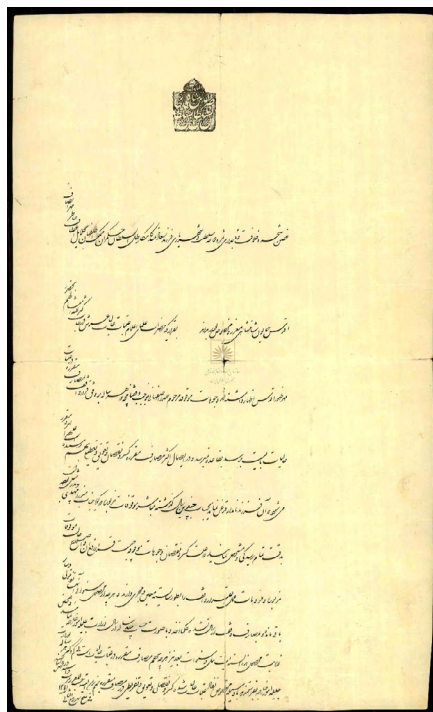
- اشکوری، سید صادق حسینی (۱۳۸۸). **اسناد موقوفات اصفهان**، زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- باقربان موحد، سیدرضا (۱۳۹۳). **پیوندهای معنوی اصفهان و کربلا**، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- بامداد، مهدی (۱۳۴۷). **شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری**، تهران: زوار.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). **دانشنامه تخت فولاد اصفهان**، زیر نظر اصغر منتظرالقایم، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- رجائی، عبدالمهدی (۱۴۰۳). «یک شهر و یک موقوفه: نگاهی به موقوفه حاج آقا نورالله در اصفهان در دوران پهلوی»، **وقف میراث جاویدان**، ۳۲ (۱۲۷)، صص: ۴۹-۷۰.
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۷). **تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول**، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- سالنامه معارف اصفهان، سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۳، اصفهان: مطبعه عرفان.
- سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۶). **تاریخچه اوقاف اصفهان**، اصفهان: اداره کل اوقاف استان اصفهان.

اسناد

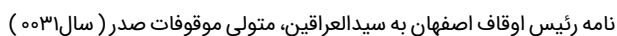
- اسناد از سازمان اسناد و کتابخانه ملی: ساکما، ۲۹۱ / ۲۳۳۴ و ۲۵۰ / ۲۱۲۷۱ و ۲۵۰ / ۶۶۳۴ و ۹۹۸ / ۴۱۰۰ و ۲۵۰ / ۶۱۲۷ و ۹۹۸ / ۶۳۸۰ و ۹۹۸ / ۵۳۲۸ و ۲۵۰ /

مطبوعات

- روزنامه اخگر، مدیر امیرقلی امینی، محل نشر اصفهان.



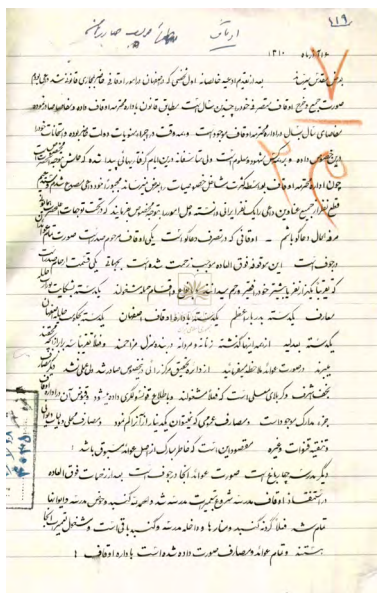
فرمان ناصرالدین شاه به ظل السلطان برای رسیدگی به موقوفه صدر (۱۹۲۱ق)



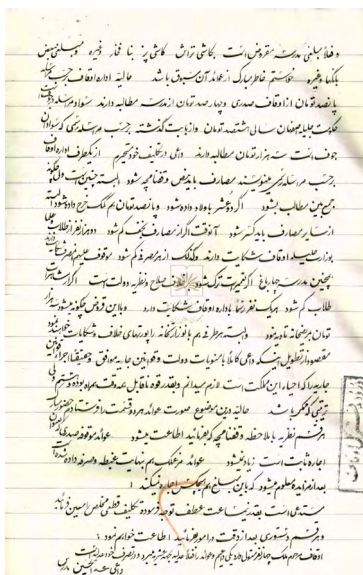
ارائه فهرست موقوفاتی که در اصفهان به عتبات پول ارسال می‌کنند (سال ۱۳۰۸)



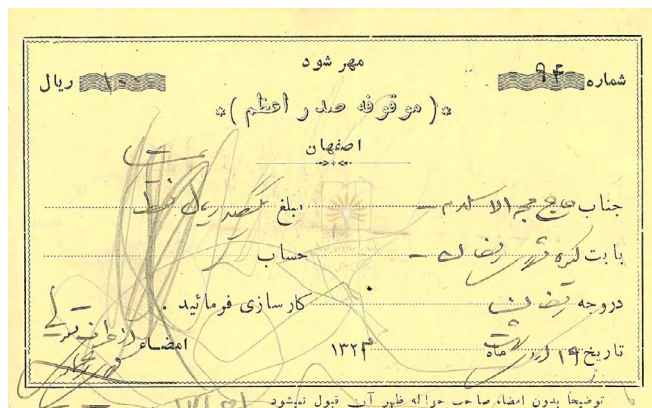
آگهی مزایده اداره فرهنگ و اوقاف اصفهان برای اجاره موقوفات صدر (سال ۱۳۱۹)



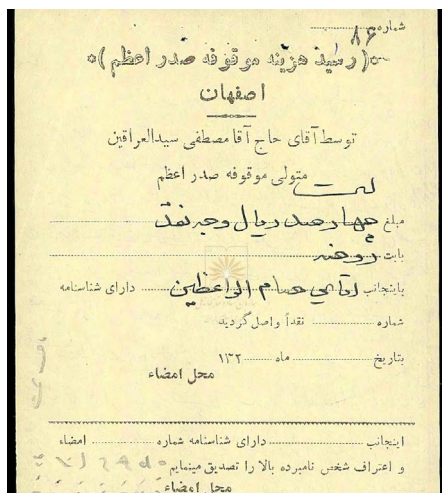
نامه سیدالعارقین به وزیر معارف و اوقاف ؟ و بیان مشکلات تولیت موقوفه صدر (سال ۱۳۱۰)



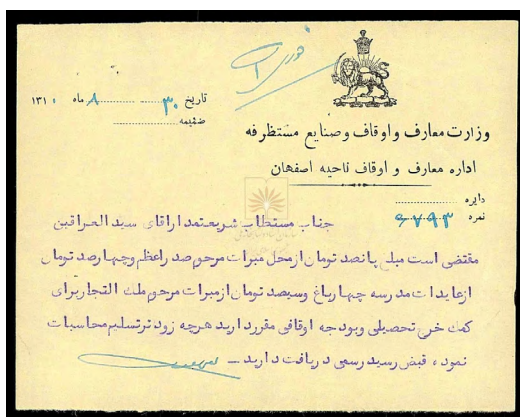
نامه سیدالعراقین به وزیر معارف و اوقاف ؟ و بیان مشکلات تولیت موقوفه صدر (سال ۱۳۱۰هـ)



حواله یکصد ریال به حاج مجدالاسلام (مستاجر موقوفه) بابت گیوه مشهدی (سال ۱۳۳۱هـ)



پرداخت ۴۰۰ ریال وجه نقد بابت روضه خوانی به آقای حسام الواعظین از موقوفه صدراعظم (دهه بیست)



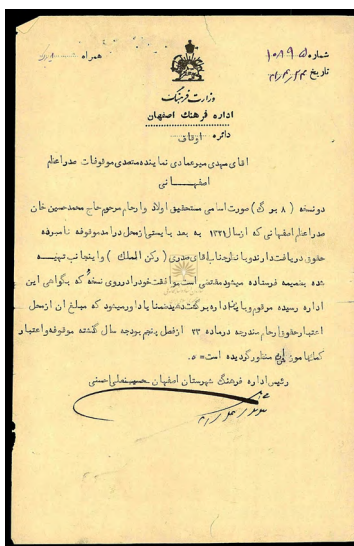
سهم خواهی اداره معارف اصفهان از موقوفات بزرگ (سال ۱۳۱۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

این صورت از موقوفات صدری که در سال ۱۳۳۱ شمسی در موقوفات صدری موجود است

ردیف	شرح	مبلغ	تاریخ	ملاحظات
۱	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۳	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۴	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۵	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۶	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۷	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۸	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۹	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۰	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۱	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۲	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۳	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۴	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۵	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۶	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۷	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۸	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۱۹	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۰	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۱	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۲	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۳	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۴	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۵	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۶	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۷	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۸	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۲۹	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	
۳۰	موقوفات صدری	۳۹۰	۱۳۳۱	

بخشی از صورت جمع و خرج موقوفات صدر اعظم در سال ۱۳۳۱

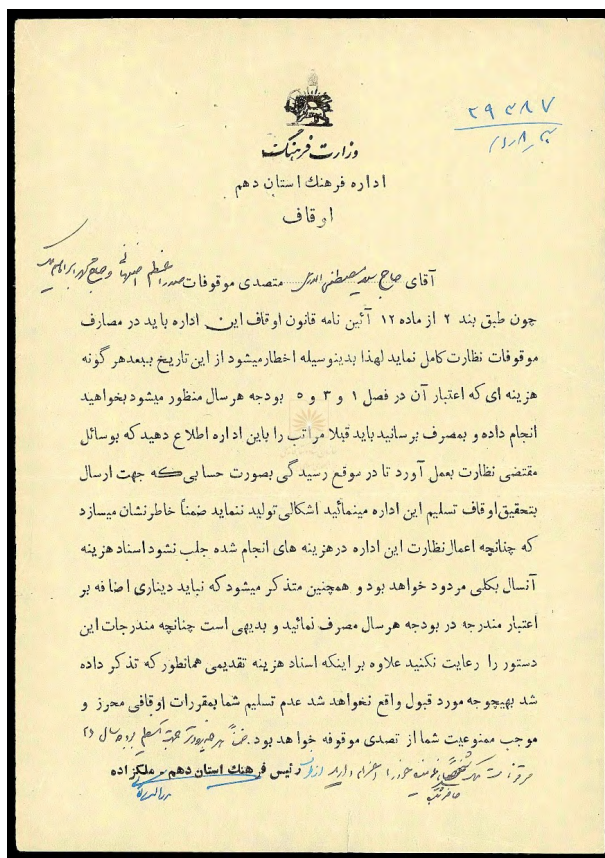


فهرست دریافت کنندگان ارقام صدر در سال ۱۳۳۱ اش به هشت صفحه رسیده بود



ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد	تاریخ وفات	محل تولد	محل وفات	سازمان	مقام	توضیحات
۳۱	فاطمه	۱۸۱۳	۱۸۵۰	پرواخته ندره		جمع سفارت		
۳۲	کامه خانم	—	—	چون فوت شده است				
۳۳	محمد حسن خان	۱۸۸۵	—	پرواخته ندره				
۳۴	ابراهیم خان	۱۳۳۰	—	پرواخته ندره				
۳۵	عبدالله خان	۵۰۰	—	پرواخته ندره				
۳۶	اولاد حسن خان	۸۰۰	—	پرواخته ندره				
۳۷	مکتوم خان	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۳۸	عبدالله خان	۱۵۰۰	—	پرواخته ندره				
۳۹	عزت	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۴۰	سکینه	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۴۱	مهاجده سلطنت	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۴۲	صفیه خانم	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۴۳	مهاجده سلطنت	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۴۴	فریده خانم	۵۰۰	—	پرواخته ندره				
۴۵	اسدالله خان	۱۲۲۰	—	پرواخته ندره				
۴۶	مکتوم خان	۷۵۰	—	پرواخته ندره				
۴۷	مکتوم خان	۷۵۰	—	پرواخته ندره				
۴۸	مکتوم خان	۳۰۰	—	پرواخته ندره				
۴۹	مکتوم خان	—	—	پرواخته ندره				
۵۰	مکتوم خان	۷۵۰	—	پرواخته ندره				
۵۱	مکتوم خان	۲۰۰	—	پرواخته ندره				
۵۲	مکتوم خان	۱۱۰۰	—	پرواخته ندره				
۵۳	مکتوم خان	۵۰۰	—	پرواخته ندره				
۵۴	مکتوم خان	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۵۵	مکتوم خان	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۵۶	مکتوم خان	۵۰۰	—	پرواخته ندره				
۵۷	مکتوم خان	۴۰۰	—	پرواخته ندره				
۵۸	مکتوم خان	۱۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۵۹	مکتوم خان	۱۵۰	—	پرواخته ندره				
۶۰	مکتوم خان	۱۵۰	—	پرواخته ندره				
۶۱	مکتوم خان	۵۰۰	—	پرواخته ندره				
۶۲	مکتوم خان	۲۸۰۰	—	پرواخته ندره				
۶۳	مکتوم خان	۲۰۰۰	—	پرواخته ندره				
۶۴	مکتوم خان	۲۳۰	—	پرواخته ندره				

بخشی از فهرست پرداختی‌ها به اولاد و ارحام صدر در سال ۵۲۳۱



اخطار اداره اوقاف اصفهان به سید مصطفی مدرس، متولی موقوفه درباره نظارت بر مصارف موقوفه (سال ۱۳۳۱)